

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# مدرسه حکمرانی شهید بهشتی



مفهوم شناسی حکمرانی فرهنگی

مدرس: علی خزاعی

دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی

از

دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

## مفهوم شناسی حکمرانی

➤ فرهنگ لغت آکسفورد

حکمرانی "فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیر دستان و نظامی از قوانین و مقررات" تعریف شده است.

➤ برنامه توسعه سازمان ملل متحد

حکمرانی مجموعه ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترك امور است و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است.



حکمرانی اغلب با نگاهی جدید، به محدود نمودن قدرت سنتی سلسله مراتبی (بالا- پایین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم های جمعی می پردازد.

حکمرانی به مجموعه ای از سنت ها نهادها که حاکمان در چارچوب آنها عمل می کنند یا به عنوان روش پیاده سازی قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست. (بانک جهانی)

پژوهشگران این حوزه معتقدند ناکارآمدی دولت ها در انجام یکه تازانه امور موجب خلق این مفهوم شده، لذا با تفکیک حوزه های مختلف دولت و تمایز میان بخش خصوصی و دولتی و تمایز میان دولت و جامعه مدنی، سعی در تغییر ساختار سنتی قدرت و وزن دهی بیشتر به نهادهای موازی دولت در تصمیم گیری ها و سیاستگذاری ها دارند.

## نکات قابل توجه در کاربرد واژه حکمرانی

- نخست: حکمرانی متفاوت از حکومت (Government) است. حکمرانی به عنوان يك مفهوم، مشخص می سازد که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت و در قالب سه گروه اصلی از بازیگران؛ **حکومت**، **بخش خصوصی** و **جامعه مدنی** جریان دارد.
- دوم: حکمرانی بر فرآیند تأکید دارد و مشخص می سازد که تصمیم ها با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت ها و سلايق متفاوت گرفته می شوند.
- سوم: حکمرانی، توافقی را بین اولویت ها و سلايق رقیب و متضاد برقرار می کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است.

# تفاوت حکومت و حکمرانی

## حکومت

- منطق آن بر حول مفهوم قدرت و تحمیل استوار است.
- مبتنی بر ساختارهای سازمانی مشخص است.
- قدرت از بالا به پایین اعمال می شود.

## حکمرانی

- دولت محدود شده و جایگاهی برای استفاده از قدرت باقی نمی ماند.
- روابط يك جانبه جای خود را به روابط چند جانبه می دهد.
- فضای حکمرانی فضایی افقی است و دولت در يك سطح با دیگر نهادها قرار دارد.
- کنشگران غیر دولتی به قدری از یکدیگر استقلال دارند که نمی توانند چیزی را بر دیگری تحمیل کنند اما در عین حال آنقدر به یکدیگر وابسته اند، که می دانند بدون یکدیگر قادر به اقدام نیستند. (نگاه سیستمی)



# تعریف حکمرانی خوب

حکمرانی خوب عبارت است از حاکمیت با ویژگی هایی از قبیل:

- قانون؛
- شفافیت؛
- مسئولیت پذیری؛
- مشارکت؛
- برابری؛
- کارایی؛
- اثربخشی؛
- پاسخگویی؛
- دیدگاه استراتژیک؛

در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و ..... (برنامه توسعه ملل متحد )

# فرهنگ

- **شاین:** فرهنگ الگویی از مفروض‌های مشترك است که گروه فرا می‌گیرد؛ به طوری که مشکل‌های انطباق‌پذیری خارجی و هماهنگی داخلی آن را حل می‌کند و به سبب عملکرد و تاثیر خوبش، معتبر دانسته می‌شود و از این جهت به مثابه روش درست ادراك، تفكر و احساس، به اعضای جدید گروه، آموزش و یاد داده می‌شود.
- **هافستد** معتقد است که هنجارهای اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های آگاهانه مردم جامعه باعث تأثیر فرهنگ بر محیط‌های نهادی (راهبردی) می‌شود، زیرا فرهنگ بر اشخاص جامعه نفوذ دارد و این اشخاص هستند که محیط‌های نهادی (راهبردی) را شکل می‌دهند.
- **گیدنز:** فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضاء يك گروه معین دارند، هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند»
- **تایلور:** (تعریف دقیق فرهنگ): فرهنگ، **کلیت درهم تافتة‌ای** است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی همچون عضوی از جامعه به‌دست می‌آورد.



این تعریف، فرهنگ به مجموعه ی **شیوه های زندگی** اعضاء يك جامعه اطلاق می شود و چگونگی لباس پوشیدن، رسوم ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای رفتاری، مراسم مذهبی و سرگرمی های اوقات فراغت، اعضاء آن جامعه را دربر می گیرد. همچنین شامل کالاهایی می شود که تولید می کنند و برای آنها اهمیت دارد. مانند: تیر و کمان، خیش، کارخانه و ماشین، کامپیوتر، کتاب و مسکن و...

يك نکته مهم در تعریف تایلور، **ارتباط فرهنگ با جامعه** است. براساس تعریف مذکور، فرهنگ، کلیت پیچیده و ترکیبی از رفتار آموخته شده و محصولات آن در يك متن اجتماعی است؛ لذا فرهنگ بخشی از متن اجتماعی محاط بر خود است.

ویژگی مهم دیگر در تعریف تایلور، نگرش علمی و نظام مند به مقوله فرهنگ است. فرهنگ از دیدگاه تایلور: «**يك مجموعه ی منظم و آرایش** یافته است که از باورها، قوانین، آداب و اشکال گوناگون دانش و هنر تشکیل شده است. قرار گرفتن این عناصر در کنار یکدیگر، يك مجموعه درهم تنیده را تشکیل می دهد. بنابراین فرهنگ از نظر تایلور يك مفهوم و يك پدیدار است که از به هم پیوستن عناصر مختلف به وجود آمده است.

➤ فرهنگ جوهره هستی و ذات زندگی آدمی است که انسان را صاحب هویت و شخصیت

می‌کند و با عناصر درونی خود تنش‌های درونی جامعه را کاهش می‌دهد.

➤ مجموعه‌ای از آداب و رسوم، عقاید و افکار، پندارها و باورها، گفتارها و کردارها ابداعات و

اختراعات، هنجارها و اعتقادات، هنر و ادبیات است که طی زمان در جامعه شکل گرفته و

از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و عموم اعضای جامعه آنها را به صورت عادت به منصفه

ظهور می‌رساند (ازغندی)

## تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی

فرهنگ نظام واره ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزشها، آداب رفتاری ریشه دار و دیر پا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می دهد و هویت آن را می سازد.

## تلقی های متنوع از فرهنگ

۱. **تعیین پذیری و اصالت فرهنگ؛** آیا فرهنگ امری تبعی است یا دارای اصالت می باشد؛
۲. **خاستگاه فرهنگ؛ آیا خاستگاه فرهنگ؛** روابط اقتصادی و حوزه های مادی حیات بشری است و یا خاستگاه انسانی (و یا حتی فراانسانی) دارد؛
۳. **رابطه فرهنگ و حوزه های دیگر زندگی اجتماعی؛** بین فرهنگ و سایر حوزه های حیات بشری رابطه يك سویه وجود دارد یا متقابل؛
۴. **گستره فرهنگ؛** آیا نسبت به فرهنگ دید کل گرایانه وجود دارد و آن را شامل کلیت زندگی اجتماعی و فرآورده های بشری باید دانست یا حوزه فرهنگ را محدود به حوزه معانی نمادین یا فعالیت های هنری، فکری و اخلاقی می داند؛

۵. **تغییر و تداوم فرهنگ؛** فرهنگ تغییر را امری مطلوب می داند و نسبت به تغییر خوش بین است یا در برابر تغییر فرهنگ مقاومت می کند و نسبت به آن بدبین است.

۶. **عرصه های فرهنگ و نسبت آنها؛** عرصه های فرهنگ نظیر علم، اخلاق، هنر، دین و... رابطه هم عرض با یکدیگر دارند یا رابطه طولی؛

۷. **خودبستگی طبیعی فرهنگ؛** فرهنگ امری خودبسته است و می تواند به حیات و بقای خود ادامه دهد یا نیاز به حمایت و هدایت دارد؛

۸. **رابطه فرهنگ؛** رابطه و مبادله فرهنگ ها امری طبیعی و مستقل از اراده و امیال انسان هاست یا متأثر از منافع جوامع و گروه ها می باشد.

## گزیده ای از نظریات پژوهشی در مورد قابلیت‌های فرهنگ در مسیر حکمرانی

- فرهنگ به ساختن اقتصاد جامعه با ظرفیت رشد و فرصت‌های فراوان برای اشتغال کمک می‌کند.
- فرهنگ می‌تواند به کارآیی سیستم‌های آموزشی و بهداشتی کمک کند.
- در ارتقای حفاظت محیط زیست نیز کاربرد دارد.
- فرهنگ همچنین نقش مهمی در توسعه منطقه‌ای و بازسازی شهری ایفا می‌کند.
- افزایش مشارکت در فرهنگ نشان داده است که باعث بهبود رفتار در فراگیری آموزشی می‌شود.
- به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شود.
- مبارزه با انزوای اجتماعی جوانان و سالخوردگان در مرکز برنامه‌های فرهنگی قرار دارد.
- مشارکت اجتماعی را ارتقا می‌بخشد.
- هویت ساز است/جهت آفرین است.
- اعتماد به نفس و کارآمدی روانی را ارتقا می‌بخشد.



## تاریخچه حکمرانی فرهنگی

- گفته شد که نظریه حکمرانی خوب توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول خصوصاً در دهه ۱۹۹۰ م. مورد تأکید قرار گرفت.
- این مدل پیشنهادی برای کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه جهت جلوگیری از فساد، تمرکزگرایی و آزادی خواهی خصوصاً در کشورهای صحرای غربی بود که در عمل با موفقیت همراه نشد.
- در آن سال‌ها نئولیبرالیسم به عنوان میراث خانم تاچر و آقای ریگان مطرح می‌شد و نهادهای مبتنی بر «نظام برتن وودز» Bretton Woods system L به این نتیجه رسیدند که مهمترین دلیل عدم رشد و توسعه کشورهای توسعه نیافته فقدان حکمرانی خوب در آن کشورها بوده است. علیرغم تأکید آن بر جنبه‌های مثبت پاسخگویی، شفافیت، حکومت قانون، دیوان سالاری موثر، مشارکت مردم، بازار کارآمد و جامعه مدنی به سبب تأکید بر نئولیبرالیسم غربی گزینه موفق نبوده.



■ به همین دلیل محققان بسیار زیادی در دنیا شروع به انتقاد از این نسخه «برتن وودزی» از حکمرانی خوب کرده و شروع به شالوده شکنی از این مفهوم کردند و جایگزین‌های مختلف مطرح شد.

■ آنها به این نتیجه رسیدند که بایستی در اصلاحات پیشنهادی خودشان **فرهنگ محلی و بافتارهای محلی را در نظر بگیرند.**

■ آنها به این نتیجه رسیدند که برای نیل به رشد و توسعه بایستی باورها، فرهنگ‌ها و کارکردهای محلی در نظر گرفته و محاسبه شوند حتی فساد را بدون توجه به این مسائل و زمینه‌های محلی و بومی نمی‌توان از بین برد یا اصلاح کرد.

## دولت و حکمرانی فرهنگی

فرهنگ تنها عنصری است که ما را از ملت های مختلف جدا می کند بر این اساس دولت نمی تواند در مورد فرهنگ بی تفاوت باشد و مسئولیتی نپذیرد.

➤ مسئله اصلی دخالت و عدم دخالت دولت در فرهنگ نیست بلکه نکته اصلی در **سطح، لایه و چگونگی یا روش** مداخله است.

بزرگترین بحرانی که در ایران در حکمرانی دولت در حوزه فرهنگ وجود دارد،

➤ تبدیل دکترین به سیاست؛

➤ سیاستگذاری فرهنگی؛

➤ پیاده سازی/اجرای سیاست های فرهنگی است.

➤ دیپلماسی فرهنگی؛

➤ مسأله شناسی فرهنگی؛

## رویکردهای جهانی در مورد دخالت دولت در فرهنگ

- مناقشه بر سر آن است که آیا دولت مجاز به مداخله در عرصه فرهنگ هست؟ و اگر پاسخ مثبت است، این مداخله براساس چه الگویی صورت می‌پذیرد؟
- به نسبت «فرد» و «جامعه» در نگرش هستی‌شناختی ما بستگی دارد.

### هستی‌شناسی فردگرایانه

- که در آن فرد مقدم بر جامعه و دولت است، نوعی «دولت محدود» شکل می‌گیرد که اجازه‌ی دخالت در برخی امور را ندارد.

### هستی‌شناسی جمع‌گرایانه،

- دولت هیچ محدودیت نظری و اصولی در آن چه به نام جامعه قادر به انجام آن است، ندارد.
- رویکرد فردگرایانه به عدم مداخله‌ی دولت در فرهنگ و رویکرد جمع‌گرایانه بر تسلط کامل دولت بر فرهنگ خواهد انجامید.

## رویکرد بینابینی

- ▶ دولت نه هم‌چون رویکردهای قائل به دولت حداقلی نقشی کم‌رنگ پیدا می‌کند بلکه باید عرصه را برای بازار و جامعه‌ی مدنی خالی نماید و نه مانند دولت‌های تمامیت‌طلب، تمامی عرصه‌های مربوط به زندگی فکری و اقتصادی را از خود کرده و جا را برای جامعه تنگ می‌کند.
- ▶ این رویکرد بینابینی، در قالب نظریه‌ی «دولت نامحدود بالقوه» توسط فیلسوف انگلیسی، گوردون گراهام، طرح شده است.
- ▶ بر این اساس، اگر فرهنگ را معرفت مشترك تعریف کنیم و آن را دارای چهار لایه **باورها**، **ارزش‌ها**، **هنجارها** و **نمادها** بدانیم که در طول هم قرار گرفته‌اند، می‌توان به الگویی برای مداخله‌ی دولت در فرهنگ دست یافت.

## حکمرانی فرهنگی متعالی

- بر اساس نظر صاحب نظران حوزه فرهنگ و حکمرانی فرهنگی، مکتبی بودن و حاکمیت ایدئولوژی دینی بر حکمرانی فرهنگی آن را ارتقا بخشیده و بین آن و حکمرانی فرهنگی متعارف در نظام های غیر دینی تمایز ایجاد می نماید.
- این نوع حکمرانی فرهنگی به دلیل اینکه مبانی دینی و مذهبی به عنوان اصول و بنیانهای آن برگزیده و تعریف می شوند و یا به زبانی دیگر برآمده از مبانی متعالی و وحیانی است حکمرانی فرهنگی متعالی نامیده می شود.
- از این پس و با ورود به مبانی دینی حکمرانی فرهنگی، از این نوع حکمرانی با عنوان حکمرانی فرهنگی متعالی نام خواهیم برد.



## نظریه های حکمرانی فرهنگی

- الف: حکمرانی بر فرهنگ در بین سایر نظام های چهارگانه.
- ب: حکمرانی فرهنگی متعالی با نگاه زیربنایی فرهنگی (اولویت بخشی به فرهنگ در حکمرانی).

## الف: نظریه نخست: حکمرانی بر فرهنگ

- این نظریه حکمرانی بر عرصه فرهنگ و نظام فرهنگی را تعبیر به حکمرانی فرهنگی می کند و صرفاً مهندسی فرهنگ را در اولویت توجه خود قرار می دهد.
- در این دیدگاه صرفاً فرهنگ و نظام فرهنگی به عنوان یکی از نظام های چهارگانه پارسونزی با الگوهای فرهنگی اداره و مدیریت می شود این حکمرانی خود را به تعریف مدیریت فرهنگی نزدیک نموده و مرز گسترده مفهومی با آن دارد.
- توجه به فرهنگ، تغییرات فرهنگی، تبادلات فرهنگی، انتقال فرهنگی، شناسایی فرهنگ آرمانی و مطلوب، شناسایی آسیب های فرهنگ موجود، نقش حاکمیت در حوزه فرهنگ و ... در محدوده نظری این دیدگاه قرار می گیرد.

## ب: نظریه حکمرانی فرهنگی متعالی با نگاه و دیدگاه فرهنگی (اولویت بخشی به فرهنگ در حکمرانی)

این دیدگاه معتقد است که نگاه حاکمیت به مدیریت و اداره کشور باید فرهنگی باشد و همه نظامهای چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی، با تفکر و مبتنی بر الگوهای فرهنگی مدیریت و اداره شوند.

شکل گیری فرایندها و ساختارها مبتنی بر اصل اساسی فرهنگ باشد.

فرهنگ اولویت و زیر بنای اصلی کلیه دکترین ها و سیاستگذاری های حوزه های چند گانه مذکور قرار گیرد.

سیاست، سیاست فرهنگی، اقتصاد، اقتصاد فرهنگی، اجتماع، اجتماعی فرهنگی و فرهنگ، فرهنگی مدیریت و اداره شود و نگاه حاکم بر مدیریت نظام های چهارگانه متمرکز بر انطباق آنها بر اصل زیر بنایی فرهنگ باشد.



در این تعریف، حکمرانی به عنوان يك مفهوم، که قدرت در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومت و در قالب سه گروه اصلی از بازیگران؛ حکومت، بخش خصوصی و جامعه جریان داشته باشد دیده و تعریف می شود.



این گونه از حکمرانی فرهنگی بر فرآیند تاکید دارد و مشخص می سازد که تصمیم ها با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران فرهنگی با اولویت ها و سلايق متفاوت گرفته می شوند که حکمرانی فرهنگی، توافقی را بین اولویت ها و سلايق رقیب و متضاد برقرار می کند و این، اساس و شالوده مفهوم حکمرانی فرهنگی است در حالیکه در حکمرانی فرهنگی نظام فرهنگی این ویژگی دیده نمی شود و حوزه عملکردی آن بیشتر سازمانها و ساختارهای دولت ساخته است.

## مدینه فاضله و نسبت آن با حکمرانی فرهنگی متعالی

### تعاریف

- **فارابی** : «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است.»
- **خواجه نصیرالدین طوسی** : «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که ساکنان آن کوشش کنند که سعادت حقیقی را به دست آورند. اداره چنین مدینه‌ای به دست حکیمان و فاضلان باشد.»
- **ملاصدرا** می‌گوید: «مدینه فاضله؛ مدینه‌ای است که شهرهای آن برای نیل به نهایت حقیقی و خیر حقیقی با هم همکاری دارند»

## مدینه فاضله و نسبت آن با حکمرانی فرهنگی متعالی

### ویژگی ها

➤ ویژگی‌های مدینه فاضله از دیدگاه اندیشمندان اسلامی:



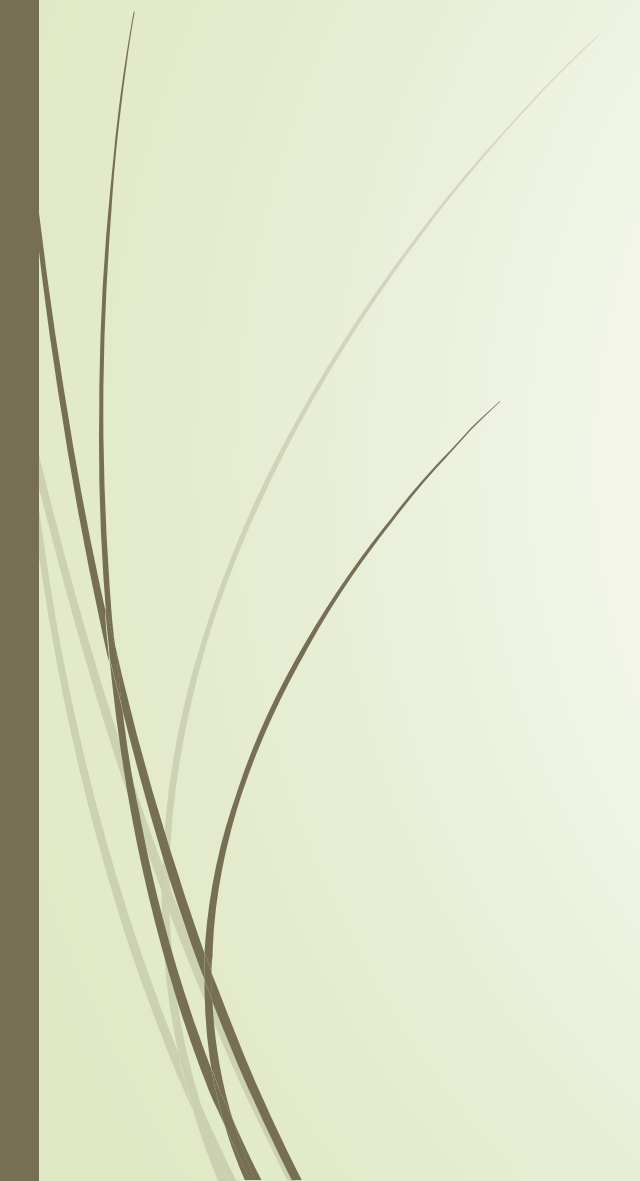
➤ **فارابی** عبارتند از: ۱. تعاون ۲. خداوند و غایت قصوی بودن او ۳. معرفت خداوند ۴. با فضیلت بودن مردم ۵. عدالت ۶. محبت و الفت ۷. صلح در مدینه فاضله و تشبیه به خداوند داشتن در اوصاف.

➤ **ابو علی سینا**: تعاون برای سعادت، عدالت، عدم تعارض و فساد، دینداری و دنباله روی شریعت.

➤ **خواجه نصیرالدین طوسی**: ۱. الفت و محبت ۲. امنیت و عدم تعاند ۳. صداقت ۴. عدالت.

➤ **ملاصدرا**: ۱. قانون الهی ۲. حاکم، حکومت، مردم و سعادت آنان، خدا محوری، حضور گسترده شریعت، عدالت در جامعه و تعاون برای نیل به سعادت.





# کدام دیدگاه؟



حکمرانی در مبانی ایدئولوژیک اسلامی و ایرانی تابع کدام دیدگاه ذکر شده بوده است؟

حکمرانی در مبانی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران تابع کدام دیدگاه ذکر شده بوده است؟

## مبانی ایدئولوژیک حکمرانی فرهنگی متعالی

- قرآن. (مساوات، عدالت، اخلاق گرایی، برنامه محوری، نوع دوستی، عبرت گرفتن از سرنوشت سایر ملل و جوامع برای تصمیم گیری و مدیریت بهینه، سپاسگزاری، پرهیز از ظلم و ستم و...)
- رسالت حضرت ابراهیم (ع): **إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛**
- بعثت نبی مکرم اسلام **(إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)؛**
- ترویج اسلام؛
- دعوت به اسلام؛
- علم گرایی و توسعه علمی؛
- مشارکت دادن مردم در امور و تصمیم گیری ها؛
- مشورت و استفاده از دانش و خرد دیگران؛

➤ تعارض با نژاد پرستی و اعتقاد به برتری انسانها صرفا با تقوای الهی؛

➤ روش های جنگ و مبارزه (دستورالعمل های جنگی، برخورد با اسرا، برخورد با مردم سرزمینهای تصرف شده و...)؛

➤ مدیریت اجتماعی؛

➤ مدیریت اقتصادی (خمس، زکات و...)؛

➤ مدیریت سیاسی؛

➤ وعده حکومت مستضعفین؛

➤ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَكُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛

## مبانی ایدئولوژیک حکمرانی فرهنگی متعالی پس از حضرت رسول(ص)

- برخورد با انحراف از مبانی دینی؛
- مبارزه با نفاق؛
- علم گرایی؛
- صبر انقلابی؛
- مدیریت اقتصادی سالم؛
- مبارزه با فقر و بی عدالتی؛
- کار و تلاش حاکم جامعه (حضرت علی(ع)؛
- پاسداری از ارزشهای دینی (مواریث به جا مانده از زمان حضرت رسول(ص)؛
- مبارزه و جهاد در راه گسترش دین؛
- اخلاق گرایی؛
- کمک به انسجام اجتماعی؛
- نهادینه سازی تعبد و بندگی خاص خداوند؛

## مبانی ایدئولوژیک حکمرانی فرهنگی متعالی در عصر مهدویت

- امتداد سیر ولایت؛
- حضور امام عصر(عج) در جامعه؛
- نقطه تلاقی و اشتراك تمدن نوین اسلامی و نظریات تمدنی برخی نظریه پردازان غربی؛
- راهبرد حرکت داشتن و تقابل با سکون؛
- حق گرایی؛
- ظلم ستیزی؛
- کنش گری فعال در تحقق آرمانهای دینی؛
- امید به ظهور حجت و دادگری و برقراری عدل و حاکمیت اسلامی؛
- قرار گرفتن حاکمیت جهان در دست مستضعفین؛ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَكُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلَكُمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ...»



# حکمرانی فرهنگی متعالی در مبانی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی

حکومت مستضعفین؛

ظلم ستیزی؛

استقلال؛

آزادی (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و....)؛

بیگانه ستیزی؛

دین گرایی؛

اخلاق محوری؛

عدالت اجتماعی؛

حق گرایی؛

تحقق ارزشهای انسانی؛

## نسبت حکمرانی فرهنگی متعالی با مدیریت فرهنگی

- عده ای بر این باورند که حکمرانی فرهنگی همان مدیریت فرهنگی جامعه است.
- حال باید دید آیا این نظریه قابل پذیرش است یا خیر؟
- آیا حکمرانی در اصل و مفهوم خود فارغ از فرهنگی یا عام بودن آن مفهوم مدیریت می دهد؟
- دایره کدام يك از این دواړو اداره جامعه گسترده تر است؟
- کداميك با ساختار، اهداف و آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران سازگارتر است؟

## ➤ مدیریت فرهنگی

➤ مدیریت فرهنگی عبارت است از فرآیند برنامه ریزی، هدایت، رهبری و نظارت بر مجموعه ای از فعالیت ها که در راستای انتقال، تثبیت، ترویج و تکامل فرهنگی مشخص، با تمامی اجزا و عناصر آن دنبال می شود.

➤ بر اساس تعریف ذکر شده از حکمرانی در ابتدای بحث " حکمرانی مجموعه ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه ریزی و اداره مشترك امور است و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد است که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان است "

➤ دایره معنایی و گستردگی مفهومی حکمرانی از مدیریت و به تبع آن دایره مفهومی و شمول حکمرانی فرهنگی متعالی از مدیریت فرهنگی بیشتر است.

➤ حوزه حکمرانی حوزه دکترین سیاستگذاری و مدیریت راهبردی است.

➤ مدیریت فرهنگی مبتنی بر تعریف مدیریت که در آن سیاستگذاری و هدف گذاری توسط دولت صورت می گیرد به نوعی نشانگر استیلاي دولت و نظام حاکمیتی بر جامعه تلقی شده و ویژگی مشارکت مردمی و حضور سایر ساختارهای غیر دولتی را در خود ندارد.

➤ اهتمام به مدیریت فرهنگی به عنوان يك مقوله جدی مدیریت، در اواخر قرون نوزدهم مطرح شد. در این میان، سازمان یونسکو بیشترین فعالیت را در این زمینه انجام داده است. از سال ۱۹۷۰ به بعد، یونسکو، کنفرانس‌های بین دولتی متعددی در سطح جهانی و منطقه‌ای درباره سیاست فرهنگی برگزار کرده است. یونسکو در تمام این کنفرانس‌ها، موضوع مدیریت فرهنگی را مطرح نمود و خواستار نهادی آموزشی برای تربیت کارکنان دارای صلاحیت در توسعه فرهنگی، به ویژه در رشته‌های برنامه‌ریزی و مدیریت فرهنگی، پژوهش در زمینه فرهنگ و ارتقای فرهنگ شده است.

➤ در حالیکه برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۰۲ رویکردی جدید به نام حکمرانی را مطرح و تعریفی جدید از آن ارائه می نماید.

## نسبت حکمرانی فرهنگی متعالی و مدیریت راهبردی فرهنگی

با توجه به اینکه نظام مدیریت راهبردی هر کشوری، اصلی‌ترین نظام محسوب می‌شود.

خروجی این نظام

- تصمیمات کلان اعم از:

- چشم‌انداز؛

- اهداف بلندمدت؛

- سیاست‌ها؛

- راهبردها؛

- **و در پی آن**

- نوسازی و بازسازی؛

- مهندسی مجدد ساختارها؛

- متناسب با چشم‌انداز و اهداف بلندمدت می‌باشد.



در ایران مدیران راهبردی کشور، اعضای نظام مدیریت راهبردی و در قالب جایگاه‌هایی زیر هستند:

- ☐ مجلس شورای اسلامی؛
- ☐ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
- ☐ هیأت دولت؛
- ☐ شورای عالی امنیت ملی؛
- ☐ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
- ☐ و شوراهای و کمیسیون‌های مختلف دیگر؛

و در رأس آن‌ها در نظام جمهوری اسلامی

- ☐ رهبری معظم انقلاب اسلامی

**\*نظام مدیریت راهبردی در سطح کشور، هدایت کشور را برعهده دارد.**





رویکرد حاکم بر نظام مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی باتوجه به اینکه این نظام برخاسته از انقلابی اسلامی و انقلابی فرهنگی است، باید حاکمیت و رویکردی فرهنگی باشد و نمی تواند جای خود را به رویکردی اقتصادی، سیاسی، نظامی یا امنیتی بدهد.

لذا نظام مدیریت راهبردی کشور (حکمرانی)، فرهنگی بوده و ولی فقیه به عنوان يك اسلام شناس و فرهنگ مدان، در رأس این نظام قرار دارد. در صورتی که در رأس سایر نظام ها، ممکن است شخصیت های اقتصادی، سیاسی و یا نظامی قرار داشته باشند.



گام نخست و ضرورت اصلی در حکمرانی فرهنگی متعالی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور است.

مهندسی فرهنگی نظام مدیریت راهبردی کشور، بدین معنا است که:

۱- جایگاه اصلی و محوری در نظام مدیریت راهبردی کشور، باید آن جایگاهی باشد که در خصوص حاکم‌سازی رویکرد فرهنگی بر مجموعه نظام، تصمیم‌گیری می‌نماید.



۲- سایر جایگاه‌های تصمیم‌گیری راهبردی وظیفه دارند که تصمیمات خود را با مصوبات جایگاه محوری، سازگار سازند.

چنین جایگاهی در نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد بود. در حالی که می‌توانست با رویکردهای دیگر، شورای عالی اقتصاد یا شورای عالی امنیت ملی، جایگاه محوری در نظام مدیریت راهبردی کشور منظور شوند.

## الزامات حکمرانی فرهنگی متعالی

**مدیریت راهبردی** باید مبتنی بر تفکر استراتژیک و راهبردی باشد.  
تفکر استراتژیک می تواند بر اساس آرمانها، اهداف مطلوب - ممکن را به عنوان چشم انداز، ترسیم نماید.  
مدیریت راهبردی که صرفاً با تکیه بر ضعف ها، قوت ها، فرصت ها و تهدیدات، اهداف را ترسیم می کند.  
اهداف ممکن - مطلوب را به عنوان اهداف راهبردی مشخص می سازد.

## مدیریت راهبردی فرهنگی :

- ❖ رویکردی نوین را در مدیریت راهبردی اعمال می نماید.
- ❖ مبتنی بر فرهنگی است که در این فرهنگ، وضعیت آرمانی و مطلوب تعریف می شود.
- ❖ اهداف اصلی و یا اهداف مطلوب و ممکن را به عنوان چشم انداز و نقشه‌ی هدف ترسیم می کند.
- ❖ نقشه هدف را به عنوان چشم انداز ترسیم می نماید.
- ❖ نسبت به تحول در ساختارهای موجود، برای تحقق چشم انداز اقدام می نماید.
- ❖ نقشه تحول در وضع موجود را به عنوان نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور ترسیم می نماید.
- ❖ تحول در فرهنگ موجود در جهت فرهنگ مطلوب.



مدیریت راهبردی فرهنگی با این مفهوم که مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی است این ویژگی را داراست که اهداف را براساس رویکرد فرهنگی تعیین می کند.

در جمهوری اسلامی، مدیریت راهبردی کشور که بر عهده ولی فقیه زمان، به عنوان اسلام شناس مصلح و انقلابی می باشد، مدیریت راهبردی با رویکرد فرهنگی و آن هم فرهنگ و ارزشهای اسلام ناب محمدی(ص) و شیعی است.

در این نوع مدیریت، هدف اصلی جامعه، رشد و پرورش انسان هایی است که تواناییهای بالقوه آنان در همه ابعاد بالفعل شود و به مراحل نهایی رشد خود دست یابند.





## تمایز نظام حکمرانی فرهنگی متعالی با سایر نظام های حکمرانی

بر اساس آنچه ذکر گردید در کشورهای بزرگ سرمایه داری و در نظام هایی که رویکرد اقتصادی حاکم می باشد، نظام مدیریت راهبردی اقتصادی شکل می گیرد ولی در نظام جمهوری اسلامی، نظام مدیریت راهبردی فرهنگی موضوعیت دارد.

## اصول حکمرانی فرهنگی متعالی

۱- زمان شناسی و بهره گیری از زمان؛

۲- دین محوری؛

۳- انسان مداری؛

۴- انعطاف و پویایی در عین پافشاری بر اصول؛

۵- مشارکت عمومی؛

۶- تقویت فرهنگ ملی و توجه به آن؛

۷- خرد ورزی و عقلانیت

محوری؛

۸- جذابیت محوری؛

۹- اصل پرهیز از دفع؛

۱۰- اخلاق؛

۱۱- پاسخ گویی؛

۱۲- شفافیت؛

## تعریف حکمرانی فرهنگی متعالی

- ▶ با توجه به دیدگاههای مطرح شده و تعریف ارائه شده از حکمرانی می توان گفت حکمرانی فرهنگی متعالی در نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:
- ▶ اداره و مدیریت راهبردی کلیه نظامات کشور اعم از نظام های (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، قضایی و...) بر اساس بنیان ها و الگوهای فرهنگ مهندسی شده، با بهره گیری از توان و مشارکت مردمی، ساختارهای اجرایی دولتی، سازمانهای مردم نهاد و بخش غیر دولتی با تمرکز بر اخلاق، خرد ورزی، مشارکت عمومی و هوش انقلابی که به خاطر ذات عام بودن فرهنگ قابل توجه است.

# عناصر حکمرانی فرهنگی متعالی

- ۱- دکترین؛
- ۲- سیاستگذاری؛
- ۳- رویه و آیین نامه (ضوابط، بخشنامه هاو...)
- ۴- ساختار؛
- ۵- شناخت و ارزش ها؛
- ۶- قانون (قانون اساسی)؛
- ۷- سازمان و نهاد؛ (در درون ساختار تعریف می شوند)
- ۸- مدیریت ؛
- ۹- نیروهای بین المللی جهانی سازی؛
- ۱۰- رهبری جامع؛
- ۱۱- مشارکت فعال؛

## حکمرانی فرهنگی حاکمیتی یا حکمرانی فرهنگی نظام فرهنگی؟

- بر اساس آنچه گفته شد حکمرانی فرهنگی مورد نظر در نظام جمهوری اسلامی ایران مستند به مبانی ایدئولوژیک دینی و انقلابی و با استناد به ضرورت مدیریت راهبردی فرهنگی، حکمرانی فرهنگی ملی است.
- به مفهوم اینکه حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی باید در کلیه ساحت‌های خود با الگوهای فرهنگی جامعه را اداره نماید.
- اما این نکته نافی حکمرانی فرهنگی نظام فرهنگی نیز نیست چرا که در درون حکمرانی فرهنگی کشور حکمرانی فرهنگی نظام فرهنگی و حوزه فرهنگ نیز جای می‌گیرد و به عنوان يك پيشران قوی می‌تواند با مهندسی فرهنگ و پیشرو ساختن آن به حاکمیت فرهنگی در کشور کمک نماید.

## نتیجه

- ▶ همانگونه که مشاهده گردید حکمرانی فرهنگی متعالی با تأیید بر نظریه حاکمیت فرهنگ و ارزشهای فرهنگی بر همه نظام ها و ساحت های زندگی افراد اجتماع جایگاه ویژه ای در مبانی ایدئولوژیک دینی و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.
- ▶ وجود مبانی نظری حکمرانی فرهنگی متعالی در مبانی ایدئولوژیک دینی و نظام جمهوری اسلامی مسیر را برای اجرای الگوی راهبردی حکمرانی فرهنگی مساعد می نماید.
- ▶ این الگو برآمده از توانمندی های، ویژگی ها، اقتضائات و به ویژه آرمانها و اهداف ملت ایران بوده و الگویی خود ویژه محسوب می گردد.





این الگوی حکمرانی نقاط مثبت حکمرانی فرهنگی را از سایر جوامع همانند پذیرش دستاوردهای علمی می پذیرد و در صورت انطباق با ساختارهای فرهنگ خود از آن استفاده می نماید.

خود را تسلیم محض در برابر حکمرانی فرهنگی جهانی با عنوان جهانی سازی فرهنگی نمی داند و در تقابل با آن در هر نقطه ای که با ساختار فرهنگی آن در تعارض باشد از پا نمی نشیند.

# با تشکر و سپاس



**والسلام عليكم ورحمت الله وبركاته**